هُواللّه-سبحانک اللّهمّ یا الهی انّنی اضع وجهی علی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی

هُواللّه

سبحانک اللّهمّ یا الهی انّنی اضع وجهی علی الثّری و اعفّر جبینی بتراب الذّلّ و الانکسار الی ملکوتک الاعلی و اضّج ضجیج الخائضین فی غمار البلآء واصرخ صریخ الهائمین فی بیدآء المحو و الفنآء و ادعوک بکلّ تبتّل و تذلّل و تضرّع و استغاثه کبری و اقول ربّ ربّ ان عبادک المخلصین فی مدینة طالقان المنجذبین الیک بالرّوح و الرّیحان المشتعلین بنار محبّتک فی کلّ اوان النّاطقین بثنائک بین ملاء الأدیان الدّالّین علیک بالحجّة و البرهان المنادین باسمک فی بحبوحة الاکوان قد هاج فیهم نسائم الوفآء و ماج فی افئدتهم طماطم الولاء انبعث من قلوبهم انجذابات الی ملکوتک الابهی یدعون الی الهدی ویرشدون الی المنهج البیضآء و یهدون الی الطّریقة السّمحة النّوراء و یبثّون وصایاک بین الوری فلا یفترون فی ذکرک لیلاً و نهاراً یواظبون لذکرک عشیّاً و اشراقاً و ینا جوک غدوّاً و آصالاً یتذلّلون ببابک و یتوجّهون الی ملکوتک البدیع فی هذا الیوم العظیم.

ربّ اجعل لهم اجنحة بقوّة التّایید حتّی یطیروا فی فضآء یعجز عن الصّعود الیه کلّ رجل رشید و انبت فی جناحهم اباهر القوّة و القدرة و مناکب العزّة و العرفان و قوادم الموهبة و الاحسان حتّی یرفو فوافی اوج الهدی و یتغرّد و ابا بدع الانغام فی الجنّة المأوی ربّ اجّج نیران محبّتک فی القلوب و اشرح آیات موهبتک فی الصّدور و اسمح بالفضل الموفور لکلّ عبدٍ شکور ینادیک بقلب خافق فی العشیّ و البکور انّک انت الرّحیم بکلّ مظلوم معذور و انّک انت القویّ العلیم اللّطیف العظیم الغیور

ای یاران الهی جناب مهدی و جناب حبیب الله زاید الوصف از احبّای طالقان ستایش بی پایان نمودند که آن عاشقان جمال رحمان و آن مشتاقان دیدار جانان هیچ صبحی نیاسایند و هیچ شامی سربالین پرند و پرنیان ننهند.

شب و روز انتشار پرتو جهان افروز طلبند و ظهور بارقه صبح فیروز جویند بذکر حق مشغولند و بثنای نیر آفاق مألوف طالبانرا برهان قاطعند و بینایان را کوکبی لامع پرتو هدایت کبری برافروزند و بنار محبت الله شعله زنند. پرده اوهام خلق بسوزند و آستین بدو جهان بیفشانند گنج روان بدهند و فیض حضرت رحمان مبذول دارند عالم امکان بحرکت آرند و ابواب موهبت بر وجوه خلق بگشایند از این خبر چنان اثر در عروق و شریان ظاهر گردید که جسم نیز باهتزاز آمد و بدرگاه بی نیاز عجز و زاری گردید و طلب تأیید و توفیق شد امید چنان است که آن نفوس مبارکه چنان آهنگ بدیع بر افرازند که شرق و غرب باهتزاز آید و علیکم البهآء الابهی. ع ع